

گزارش

«اوپن لیکس»، رقیب ویکی‌لیکس به میدان می‌آید

گروه بین‌الملل: بنیانگذاران سایت جدیدالتاسیس «اوپن‌لیکس» که رقیبی جدی برای ویکی‌لیکس به شمار می‌آید، گفته‌اند از اعضای سابق ویکی‌لیکس بوده و از نحوه عملکرد این سایت تحت رهبری آسانژ چندان راضی نبوده‌اند. «دانیل دومشیات‌برگ» یکی از اعضای سابق ویکی‌لیکس در سخنانی که یکشنبه‌شب توسط شبکه تلویزیونی «اس‌وی‌تی» سوئد منتشر شد، گفت: «ویکی‌لیکس بیش از اندازه بر یک نفر (آسانژ) متمرکز شده و به همین دلیل این سازمان بسیار ضعیف شده است.» دومشیات‌برگ همچنین در ای‌میلی که به سی‌ان‌ان ارسال کرده ابراز امیدواری کرده است سیاست اوپن‌لیکس به زودی کار خود را آغاز کند. او اعلام کرد «جولیان آسانژ» بنیانگذار ویکی‌لیکس این سازمان را به شدت تضعیف کرده است و با اعلام اینکه ویکی‌لیکس هرچه را که داشتیم در راه افشای اسناد محرمانه در طول پنج ماه گذشته صرف کرده، گفت: «فکر می‌کنم بهتر بود این روند (افشای اسناد) گام به گام و به آهستگی پیش می‌رفت اما این اتفاق نیفتاد.» دومشیات‌برگ افزود: «اگر شما دیگران را به شفاف بودن دعوت می‌کنید فکر می‌کنم خود نیز باید چنین باشید و این در واقع همان بخشی است که فکر می‌کنم ویکی‌لیکس خلاف استانداردهای مورد درخواست خود عمل کرده است.»

بنسأ بر این گزارش، «هربرت اسنورسون» یکی از اعضای سابق ویکی‌لیکس است که اعلام کرده با جولیان آسانژ اختلافاتی داشته که او هرگز حاضر به گفت‌وگو درباره این مسائل نشده است. اسنورسون در این باره گفت: «سرانجام اختلاف من با جولیان به دلیل رفتار دیکتاتورمانه‌ای وی این‌گونه به پایان رسید که او به من گفت، اگر مشکلی دارم باید ویکی‌لیکس را ترک کنم.» این در حالی است که «کریستین هارفسون» سخنگوی ویکی‌لیکس با خودداری از اظهارنظر درباره اختلاف آسانژ با دیگر اعضای ویکی‌لیکس، تنها درباره تاسیس وب‌سایت اوپن‌لیکس گفت: «هرچه بیشتر،بتر.»



همچنین «ویترز» گزارش داده است که آسانژ پس از دستگیری اتهام‌های مطرح‌شده علیه خود مبنی بر تجاوز به دو زن را رد کرده است. آسانژ در این باره گفته است: «پس از مشکلات و درگیری‌های شدیدی با پنتاگون بر سر مساله انتشار اسناد، به عنوان یک پناهنده به سوئد آمدم. در آنجا (امریکا) آنها مردم را دستگیر می‌کردند و سعی داشتند من را به اتهام جاسوسی دستگیر کنند. از اینکه دستگاه قضایی سوئد این‌طور مورد سوءاستفاده قرار گرفته ناامید و ناراضح هستم.»

تلاش امریکا برای ابقای رئیس‌جمهور ازبکستان
سایت ویکی‌لیکس اعلام کرده است به‌رغم اینکه ازبکستان یکی از کشورهایی بوده که فساد مالی، جرائم سازمان‌یافته و شکنجه در آن فراگیر است، اما امریکا تلاش کرده رئیس‌جمهور این کشور را در قدرت باقی بگذارد. براساس اسناد فاش‌شده جدید از سوی ویکی‌لیکس، این موضوع فاش شده‌است که امریکا تلاش کرده اقداماتی انجام دهد که «اسلام کریموف» رئیس‌جمهور ازبکستان، در قدرت باقی بماند، چون وی اجازه داده بود ارتش امریکا مایحتاج خود را در یک مسیر در قلمرو ازبکستان به افغانستان منتقل کند. به گزارش آسوشیتدپرس، همچنین در این اسناد به اظهارنظر و دیدگاه‌های دیپلمات‌های امریکا در مورد رفتارهای دختر رئیس‌جمهور ازبکستان اشاره شده است. در این اسناد این موضوع فاش شده است که دختر رئیس‌جمهور ازبکستان، اقدامات گسترده‌ای در فعالیت‌های سودآور اقتصادی در این کشور آسیای میانه انجام داده است و از وی به عنوان یک «بارون درد» یاد شده است. گلنار کریموف دختر رئیس‌جمهور ازبکستان، اکثر زندگی خود را در ژنو سیری کرده بود؛ جایی که وی مسوولیت یک شرکت به نام زیروماکس را بر عهده داشت. او همچنین مدتی را در اسپانیا زندگی کرده بود. دختر رئیس‌جمهور ازبکستان همچنین یک خواننده موسیقی پاپ و یک طراح جواهرات است و به عنوان ارشد دانشگاه دیپلمات‌های امریکا در جهان در تاشکند از وی یاد شده است. پیش از این راپرت جوی سفیر انگلیس در تاشکند، از سوی برخی از گروه‌های حقوق بشر در ماه اکتبر زمانی که وی در راستای کمک به بهبود وجهه گلنار کریموف با حضورش در یک نمایش شو لباس گام برداشت، مورد انتقاد قرار گرفت. همچنین در این اسنادان این موضوع عنوان شد که رئیس‌جمهور ازبکستان چگونه اخیراً از اقدام هیلاری کلinton وزیر خارجه امریکا عصبانی شده بود. هیلاری کلinton به یک فعال حقوق بشر ازبک که اخیراً آزاد شده بود، جایزه شجاعت در واشنگتن اهدا کرد. کریموف همچنین در ۱۸ مارس ۲۰۰۹ به ریچارد راش گرفت. همچنین در این اسنادان این مورد که او ممکن است انتقال مایحتاج نیروهای امریکایی در افغانستان از طریق خاک ازبکستان را بهبودازید.

در دفتر خاطراتی که البته هنوز رسماً موجود نیست، نوشته شده است: «با کمک سعودی‌های می‌توانیم اطلاعات بیشتری به دست آوریم و از سوءاستفاده تورویست‌ها از بنیاد حرمین جلوگیری کنیم.» روز ۲۸ ژانویه ۲۰۰۳ کالین پاول در آن دفتر قطور و به عبارتی در آن دفتر خاطرات بلند این جملات را نوشت. منظور پاول سازمان‌های خیریه‌ای بود که ظاهراً تورویست‌ها را تأمین مالی می‌کردند. به عنوان مثال همان بنیاد «الحرمین». البته کاملاً معلوم بود که امریکا بیش از هر چیز می‌خواست از آن رفیق نه چندان قابل اعتماد یعنی عربستان سعودی یک متحد قابل اعتماد در جنگ علیه ترور برای خود بسازد.

برای امریکایی‌ها روشن نبود که ثروت «حامیان ثروتمند» سعودی مهم‌ترین منابع مالی القاعده به شمار می‌آیند، همان طور که در دفتر خاطرات پاول نیز آمده است: «پیگرد این افراد و متوقف ساختن این سیل پول توان القاعده را محدود کرده و به این ترتیب این گروه نمی‌تواند به تجدید قوا پرداخته و علیه امریکا، عربستان سعودی و دیگر کشورها اقدام کند.»

دیپلمات‌های امریکا در آن مورد حداقل به یک پیروزی نسبی دست یافتند و در این میان توانستند از ریاض متحدی برای غرب در جهت مبارزه با تروریسم بسازند. اواخر ماه اکتبر بود که سرویس‌های امنیتی عربستان با ارائه اطلاعاتی به متحدان غربی خود توانستند از انفجار آن بمب‌های قرار داده شده در هواپیماهای باری جلوگیری به عمل آورند.

با این همه عربستان هنوز هم بر جریان مالی و پولی القاعده و سازمان‌های هم‌پیمانش فائق نیامده است. در ماه مه ۲۰۰۹ «ریچارد هالبروک» نماینده ویژه رئیس‌جمهور امریکا در امور افغانستان با پاکستان را پایتخت عربستان سعودی سفر کرد و ضمن نكوهش نهادهای ناظر مالی عربستان گفت همچنان «کمک‌دهندگان شخصی در خلیج فارس» از تروریست‌ها حمایت مالی می‌کنند.

در گزارش‌های سفارت امریکا در ریاض نیز آمده است: «متقاعد کردن مقامات سعودی در این مورد که باید متوقف ساختن جریان پول به تروریست‌ها را اولویت استراتژیک خود قرار دهند، امر ساد‌های نیست.» از نظر امریکایی‌ها «کمک‌های مالی سعودی هنوز هم مهم‌ترین منبع مالی گروه‌های تروریستی سنی‌مذهب در سراسر جهان به شمار می‌آید.» و بنیاد حرمین؟ این بنیاد آشکارا تحت نامی دیگر به کار خود ادامه می‌دهد.

این در حالی است که میان خاطرات پاول و تذکراتی هالبروک فاصله زمانی شش سال‌ای وجود دارد. اما اسامه بن‌لادن هنوز هم شبکه ترور القاعده را رهبری می‌کند و ملائمر نیز همچنان رئیس طالبان افغانستان است و تروریست‌ها هم به هیچ عنوان ورشکسته نشده‌اند.

شبه‌نظامیان به وسیله پول‌هایی که از کمک‌دهندگان خاورمیانه‌ای خود دریافت می‌کنند هزینه‌های بمبگذاری در قفسار مادره (۲۰۰۴) و مترو لندن (۲۰۰۵) را تأمین کردند و با همین پول‌ها حمله‌کنندگان انتحاری را به هتل‌های اردن و منطقه سینیای مصر فرستادند. حملات تقریباً هرروزه در عراق و پاکستان هم به همین صورت تأمین مالی می‌شود. به این ترتیب آن مشکلی که پاول در سال ۲۰۰۳ در دفتر خاطراتش از آن یاد کرد، هنوز هم لاینحل باقی مانده است. جالب آنکه همه می‌دانند تروریست‌ها از کجا پول می‌گیرند اما کسی نمی‌تواند برای توقف این جریان مالی راهی پیدا کند.

دیپلمات‌های امریکایی مبارزه در جهت قطع منابع مالی تروریست‌ها را به «جنگ با مار هفت‌سر» تشبیه می‌کنند و گزارش‌های دیپلمات‌ها از دشواری مبارزه با این موجود حکایت دارد. وزارت خارجه امریکا هم از همان سال ۲۰۰۳ تا به امروز مشغول گمانه‌زنی‌های مختلفی در این مورد بوده و در این راه در پی جلب همکاری کشورهای عرب و غیرعرب آسیایی است. اما ظاهراً امریکایی‌ها در این مورد توفیق چندانی نداشته‌اند و آن طور که از خاطرات پاول و گزارش‌های

نقش عربستان، کویت و پاکستان در تأمین منابع مالی تروریسم بین‌الملل

دشواری‌های مبارزه با مار هفت‌سر

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی



وزارت خارجه برمی‌آید این کار چندان ساد‌های نیست. در این گزارش‌ها از قطر به عنوان «همکاری بی‌نهایت مفعّل» یاد شده است و اندونزی هم تنها به ارائه «فهرست بلندبالایی از اسامی مستعار» از تروریست‌ها و تأمین‌کنندگان مالی احتمالی آنها به امریکا پسنده کرده است. و اما کویت. به گزارش دیپلمات‌های امریکایی همکاری کویتی‌ها «پس از آنکه یک شهروند این کشور خود را در عراق منفجر کرد» بهتر شده است. علاوه بر آن مراکش، اردن، امارات متحده عربی و مصر نیز همکاری چندانی نشان نداد‌اند و قاهره رفتاری در این مورد پیش گرفته است که به عقیده امریکا بیش از همه تروریست‌ها از آن سود می‌برند.

در حال حاضر امریکا تلاش دارد ایسن جنگ را

حتی‌الامکان در سطوح متعددی پیش ببرد. آنها به اندونزی

برای تدوین قانونی علیه پولشویی کمک می‌کنند و در دیگر کشورها اقدام‌یادشده به عنوان مشاور در وزارتخانه‌ها حضور دارند. اما هیچ یک از این اقدامات تغییر چندانی ایجاد نکرده است. گزارش‌های دیپلمات‌ها در مورد منابع تأمین مالی تروریست‌ها در حال حاضر بر سه کشور متمرکز است: عربستان سعودی (زیرا پول زیادی از این کشور خارج می‌شود)، کویت (چون دولت این کشور برای قرار دادن نام این تأمین‌کنندگان مالی در لیست سیاه سه سال وقت صرف کرد) و پاکستان (که از نظر امریکا آشکارا در این مورد بی‌مسئولیتی نشان می‌دهد).

امریکایی‌ها در مورد کویت به سه مد ظنین هستند،

مردانی به نام‌های «جابر الجلهام»، «سبارک البتالی» و «حمید‌العلی» که از دسامبر ۲۰۰۶ شناسایی شده‌اند و قرار است نام آنها در فهرست مربوطه در سازمان ملل ثبت شود. در ژوئن ۲۰۰۶ واشنگتن از سفیر خود در کویت خواست واکنش دولت میزبان را در مورد درخواست امریکا بررسی کند. بر پایه گزارش‌های موجود از سفارت امریکا از قرار معلوم کویت از قطر می‌خواهد که از ارائه هر گونه فهرستی به سازمان ملل خودداری کند. در ماه مه ۲۰۰۷ یک میناجی امریکایی از کویتی‌ها درخواست می‌کند که

خصوص انتخابات پارلمانی اخیر که یکی بر صحت و اعتبار آن همچنان تأکید می‌کند و دیگری بر تقلب و ضرورت ابطال نتایج انتخابات پارلمانی اخیر بدون ملاحظات سیاسی یا مصلحت‌سنجی‌های قومسی، به لحاظ قانونی کاملاً شفاف و خدشه‌ناپذیر خواهد بود. ورود دادستانی شرایطی خود را نشان می‌دهد که بر اساس شواهد و قرائن موجود طالبان موقعیت قانونی و ابتکار عمل میدانی را در نبرد با حکومت مرکزی به دست گرفته است. اختلاف بر سر نتایج انتخابات پارلمانی از آنجا ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد که همان گونه که در ولایت غزنی اتفاق افتاده است، موضوع از قالب یک برداشت و رقابت سیاسی به یک اختلاف قومی- مذهبی در ساخت اجتماعی چندپاره کشور فراتر رفته است. اصولاً تقلب در برگزاری انتخابات در افغانستان همواره یک موضوع اثبات شده بوده است، همچنان که خود حامد کرزی طی یک انتخابات پر مساله یا کناره‌گیری اعتراضی «عبدالله عبدالله» رقیب خود در دور دوم در این مسند قرار گرفت. جالب این راه‌حل‌های ممکن جهت خروج از بن‌بست و ثبات در سیستم در چالش قرار داده است. اختلافات کنونی بین کمیسوین مستقل انتخابات و دادستانی کل افغانستان در مورد مرجع اولیه و

که غالباً هم از اعضای خانواده سلطنتی هستند در مورد دیگران و گاه حتی در مورد خودشان بسیار صریح سخن می‌گویند. هنگامی که امریکا در سال ۲۰۰۶ بار دیگر بر عربستان برای کنترل بهتر کمک‌دهندگان مالی فشار آورد، یکی از اعضای خانواده سلطنتی قول داد این موضوع را به اطلاع پادشاه خواهد رساند اما قبل از آن گفت: «هر چقدر بیشتر به استبداد متهم شویم آرامش بیشتری داریم.» سعودی‌ها وقتی پای پاکستان به میان می‌آید، به خصوص از صراحت لہجه بیشتری برخوردار می‌شوند. در یادداشتی مربوط به فوریه ۲۰۱۰ آمده است که پادشاه شخصاً از زرداری رئیس‌جمهور پاکستان به عنوان یک «مانع» با «ذهنی پوسیده» یاد کرده است. سعودی‌ها در ماه مه ۲۰۰۹ ادّعا می‌کنند که به سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان هم اعتماد ندارند: «قبل از هر گفت‌وگویی با آنها باید ۱۰ بار فکر کنیم.»

عربستان سعودی به دلیل نفوذش در دنیای اسلام از اهمیت خاص برای امریکا بر‌خوردار است و البته نمایان نقش برای حاکمان ریاض چندان مشکل نیست. سعودی‌ها در این مورد که طبق اسناد سفارت امریکا در فوریه ۲۰۱۰ شخصاً از زرداری رئیس‌جمهور پاکستان به مبارزه با تروریسم «کاملاً تابع امریکاست» تقریباً هیچ مشکلی ندارند. «پاکستان؟ اگر عربستان سعودی در سال ۲۰۰۲ برای امریکا یک دوست نصفه و نیمه بود، پاکستان در سال ۲۰۱۰ یک دشمن نصفه و نیمه است. امریکا به درستی نمی‌داند پاکستانی‌ها چه کار می‌کنند. گاه خبر می‌رسد که اسلام‌آباد می‌خواهد در مسدود کردن کمک‌های مالی به تروریست‌ها کمک کند، از سوی دیگر هم آن طور که در گزارش فوریه ۲۰۱۰ سفارت آمده است: «لرّتش و سازمان اطلاعات و امنیت از فوریه ۲۰۰۹ اقداماتی را برای جلوگیری از فعالیت‌های سفارت امریکا آغاز کرده‌اند.»

به عقیده امریکایی‌ها سیستم حاکم بر پاکستان آشکارا غیرمتعهدانه عمل می‌کند و اسلام‌آباد هنگامی که صحبت از درج نام کمک‌کنندگان مالی به تروریست‌ها می‌شود بر پایه همین اصل واکنش نشان می‌دهد. وزیر امور خارجه پاکستان از یک سو که در مورد همکاری کشورش از این روند اطمینان می‌دهد اما بلافاصله اضافه می‌کند که این شواهد ضعیف و ناکافی است و متأسفانه دولت نمی‌تواند در این مورد همکاری کند. امریکایی‌ها در دهم اگوست ۲۰۰۹ و البته بدون ارائه هر گونه مدرکی گروه تروریستی لشکر توبه را مسؤول حملات بمبئی اعلام می‌کنند؛ همان حملاتی که طی آن ۱۷۵ نفر کشته شدند. مساله اصلی برای امریکا در واقع یافتن تأمین‌کنندگان مالی این حملات است. به عقیده واشنگتن سازمانی دیگر موسوم به جماعت الدعوه که در ساختن مدارس جدید فعال است کمک‌های مالی را به سوی بمب‌سازان هدایت می‌کند. در یکی از گزارش‌های سفارت امریکا آمده است: «در حال حاضر رساندن پول به لشکر توبه هزینه زیادی دارد.»

با این حال پاکستانی‌ها همچنین سرسختی نشان می‌دهند و بر اساس یکی از گزارش‌ها، دیپلمات‌های امریکایی با ناامیدی عنوان کرده‌اند: «جریّ از مأموران سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان همچنان روابط خود با طایفه وسیعی از سازمان‌های بنیادگرا را حفظ می‌کنند.» در این حالت متأسفانه امریکایی‌ها می‌گیرند به عقیده بکنند: تقریباً هیچ آنها به اسلام‌آباد در مورد خدشه‌دار شدن وجهه این کشور هشدار می‌دهند و ادعا دارند برای واشنگتن ثابت شده است که «پشتیبانی موقتی پاکستان از گروه‌های تروریستی و سازمان‌های شبه‌نظامی امنیت منطقه را ناود می‌کند.» اما آیا همه تلاش‌ها برای مسدود کردن منابع مالی سازمان‌های تروریستی بی‌نتیجه بوده است؟ بی‌تردید موقعیت‌هایی در این مورد به دست آمده اما مار هفت‌سر به این سادگی مغلوب‌شدنی نیست. در فوریه سال ۲۰۰۷ سفارت امریکا در ریاض طی تلگرافی به واشنگتن آورده است: «رهبری عربستان سعودی عقیده دارد که جنگ علیه ترور تا سال‌ها ادامه خواهد داشت.»

منبع : اشپیکل

و مجازات عاملان این روند حکم صادر کنند تا باشد که باعث زجر ایشان و عبرت دیگران شود.» بلافاصله بعد از گفته‌های معاون دادستان کل افغانستان، «احمد ضیاء رفعت» عضو و سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات در جواب می‌گوید: «اگر نهادهای دیگری به خود اجازه دخالت در کار کمیسیون را می‌دهند، شاید استنباط این باشد که انگیزه‌های دیگری در کار است، از جمله احتمال دارد که انگیزه و انتقام‌گیری‌های سیاسی پشت این مساله نهفته باشد.»این اختلافات در حالی بروز می‌کند که طبق قانون باید تاکنون مجلس جدید تشکیل می‌شد ولی بنا بر اعمال نفوذ ریاست‌جمهوری تا زمان انتخاب نمایندگان انتصابی سنا که حدود دو ماه طول می‌کشد، فرمان تشکیل مجلس جدید صادر نمی‌شود.دعوی سیاسی بین دو جناح حاکم و نهاد مرتبط با ریاست‌جمهوری با مجلس تحت نفوذ جناح دیگر در شرایط موجود افغانستان واقعیت‌هایی را آشکار می‌کند که می‌تواند پیچیدگی‌های بحران این کشور را ابعاد دوجانبه‌ای بخشد. در صورتی که نظر کمیسیون مستقل انتخابات فضل‌الخطاب مشاجرات جاری باشد، در آینده سیاسی افغانستان نهاد ریاست‌جمهوری و شخص حامد کرزی با چالش بیشتر و بی‌اعتباری فزاینده‌تری روبه‌رو خواهد شد. بر عکس چنانچه نظر دادستانی کل مبنی بر لغو نتایج انتخابات تأیید نشود، بدون شک این کشور در آینده وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی سیاسی می‌شود که این بار سوسی آنان و برندگان انتخابات پارلمانی اتفاق نخواهد افتاد و بهترین گزینه برای کرزی تمکین به این جناح و جستن راه‌های ملتزم به مصالحه ملی جهت بسط شراکت سیاسی در فاز ملی است.

سه‌شنبه ۲۳ آذر ۱۳۸۹

گزارش

ناوانای امریکا در مهار اسرائیل

گروه بین‌الملل: کاخ سفید که در برابر سرسختی و لجاجت افراطیون اسرائیلی تسلیم شده است این موضوع را اثبات کرده که توانایی تضمین اجرای درخواست اخیرش مبنی بر توقف شهرک‌سازی‌ها برای تسهیل روند ادامه مذاکرات مستقیم میان اسرائیل- فلسطین را ندارد. به گزارش ایسنا، روزنامه گلفینوز در تحلیلی در این زمینه نوشته است باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا، ماه گذشته زمان زیادی را به متقاعد کردن و نیز درخواست از بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل برای متوقف کردن ساخت غیرقانونی شهرک‌ها در اراضی فلسطینی برای ۹۰ روز سپری کرد. او حتی مشوق‌هایی از جمله وعده دادن ۲۰ فروند جنگنده اف- ۳۵ و وتو کردن هر نوع قطعنامه ضداسرائیلی در سازمان ملل به مقامات تل‌آویو برای موافقت با توقف ۹۰روزه شهرک‌سازی‌ها را ارائه کرد، اما این اقدامات اوباما هنگی ناکام بوده‌اند. اسرائیل که نسبت به انتقادها از سیاست‌هایش بی‌اعتنا بوده و برای اکثر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که اقدامات اسرائیل را محکوم کرده اهمیت قائل نیست، به گونه‌ای از مصونیت برخوردار است و با توجه به اینکه به نظر می‌رسد اوباما در مورد درخواست اخیرش از دولت نتانیاهو نیز تسلیم شده، کاخ سفید دیگر کنترلش بر اسرائیلی‌ها را از دست داده است. یکی از اهداف مهم اوباما در زمان روی کار آمدنش، میانجی‌گری برای یافتن راه‌حل در مناقشه اسرائیل- فلسطین بود. وی حتی جرج میچل را به عنوان نماینده ویژه دولتش در امور خاورمیانه منصوب کرد. اوباما در ژوئن ۲۰۰۹ در سخنرانی معروفش در مصر به این موضوع اشاره کرد که امریکا ادامه شهرک‌سازی‌های اسرائیل را مشروع نمی‌داند. او از ابتدا این موضوع را آشکارا اعلام کرده بود که توقف کامل شهرک‌سازی‌ها یک پیش‌شرط برای مذاکرات صلح محسوب می‌شود. اعراب و به ویژه فلسطینیان امیدوار بودند این اظهارنظر اوباما باعث آغاز یک دوران جدید در مناقشه اسرائیل- فلسطین شود. در نوامبر ۲۰۰۹ به رغم اعتراض یک‌هفته‌ای امریکا، اسرئیل عزم اوباما را با اعلام طرح‌هایی در ساخت ۵۰۰ خانه جدید در کرانه باختری سنجید. کاخ سفید نیز به شدت به این اقدام تل‌آویو واکنش نشان داد و اعلام کرد اوباما گسترش شهرک‌سازی‌ها را مشروع نمی‌داند. اما اقدام



عملی‌ای برای نشان دادن مخالفت جدی خود انجام نداد. اسرائیل با اعلام یک پروژه ساخت ۱۶۰۰ واحد مسکونی و تخریب ۳۲ خانه فلسطینیان در بیت‌المقدس شرقی در حالی که جو یابدن معاون اوباما به تل‌آویو سفر کرده بود، نشان داد احترامی برای دولت اوباما قائل نیست.

بان کی مون دبیر کل سازمان ملل نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد شهرک‌سازی‌ها غیرقانونی است و باید متوقف شود، اما اسرائیل حتی نسبت به این اظهارنظر دبیر کل سازمان ملل نیز بی‌اعتنا بوده است. تنها پس از یک ماه از مذاکرات مستقیم با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، اسرائیل شهرک‌سازی‌های گسترده خود را در سپتامبر از سر گرفت و درخواست‌ها برای افزایش روند توقف شهرک‌سازی‌ها را رد کرد. موضع اوباما بدون شک پس از انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره امریکا تضعیف شده‌است که ایسن می‌تواند پیروزی برای لابی ایکس‌سی‌بی محسوب شود. این در حالی است که اکثریت سناتورهای امریکایی اعضای ایکس‌هستند که سیاست‌هایش باتازب حزب راست‌گرای لیکود به رهبری نتانیاهو است. سیاست خارجی اوباما در خاورمیانه عملاً متلاشی شده و اعتبار اوباما نیز تنها در میان ۳۵۰ میلیون جمعیت کشورهای عرب بلکه در میان دنیای اسلام به طور چشمگیری کاهش یافته است. از نظر فلسطینی‌ها، تصمیم امریکا برای کنار گذاشتن پافشاری در مورد روند توقف شهرک‌سازی‌ها و تسلیم در برابر دولت نتانیاهو، بازگشت ناامیدکننده و یأس‌آور به خانه اول مناقشه اسرائیل- فلسطین است.

از سوی دیگر در پی توقف تلاش ایالات متحده برای تعلیق ساخت و ساز شهرک‌های یهودی‌نشین در اراضی اشغالی، شخصیت‌های سیاسی روسیه خواستار فعال‌تر شدن گروه چهارجانبه صلح خاورمیانه و پررنگ شدن نقش کشورشان در روند صلح در خاورمیانه شده‌اند، در حالی که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه ایالات متحده این هفته به طور جداگانه با چند مقام اسرائیلی فلسطینی برای کمک به زنده نگه داشتن گفت‌وگوهای کارشناسی بن‌بست ایجادشده در روند صلح را ناشی از روسیه و از کارشناسان برجسته امور خاورمیانه در این کشور، با انتقاد از عملکرد ایالات متحده در «به انحصار کشیدن نقش میانجی» در خاورمیانه، خواستار افزایش اعضای گروه چهارجانبه به شش کشور و تلاش بیشتر برای حل و فصل اختلافات از طریق این گروه شد. پرمیاکف بن‌بست ایجادشده در روند صلح خاورمیانه بود. یوگنی پرمیاکف هم به‌رغم انتقاد شدید از آنچه انحصارگرایی امریکا می‌نامید، گفت روسیه نباید در پی جایگزینی ایالات متحده در روند صلح خاورمیانه بود. یوگنی پرمیاکف با رئیس‌جمهور ازبکستان فشار آوردید با یاد هزینه‌های انتقال مایحتاج نیروهای امریکایی در افغانستان از طریق خاک پاکستان را بهبودازید.